

## دومین دوره مسابقات داوری تجاری

آذر ۱۳۹۵ - اردیبهشت ۱۳۹۶



به طرفیت

خواهان:

شرکت سینباد کپیتال

(با مسئولیت محدود)

**Sinbad Capital AS**

به نمایندگی

خواندگان:

۱. شرکت آسان سفر به شماره

ثبت ۵۹۸۴۲

۲. شرکت آسان سیر به شماره

ثبت ۴۱۳۸۳۶

۳. مهدی آیینه وند

۴. احسان احمدیان

۵. سمیرا دهباشی

کد تیم

**PC348**



بسمه تعالی

جناب آقای دکتر محسن محبی

رئیس محترم مرکز داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

با سلام

احتراماً، بازگشت به لایحه ابرازی خواهان محترم، شرکت سینباد کپیتال، مبنی بر درخواست رسیدگی به ادعاهای ایشان توسط آن مرجع محترم داوری، به وکالت از خواندگان محترم، دفاعیاتی به شرح آتی ایفاد می‌گردد.

با تقدیم احترام

تیم PC348

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	الف) سابقه امر.....
۲	ب) دفاعیات شکلی.....
۲	ب - ۱) عدم صلاحیت مرکز دآوری اتاق بازرگانی ایران.....
۴	ب - ۲) صحت اعمال انجام شده توسط مدیر تصفیه.....
۵	ب - ۳) عدم توجه دعوا نسبت به شرکت «آسان سیر».....
۷	ج) دفاعیات ماهوی.....
۷	ج - ۱) عدم امکان مطالبه خسارت تأخیر انجام تعهد از سوی خواننده.....
۸	ج - ۲) اثبات صحت صلح منعقدہ توسط مدیر تصفیه.....
۱۰	ج - ۳) صحت افزایش سرمایه.....
۱۲	ج - ۴) صحت تصمیم مجمع عمومی مبنی بر انحلال آسان سفر.....
۱۳	ج - ۵) عدم امکان دریافت سود توسط خواهان.....
IV	فهرست منابع.....

## فهرست علائم اختصاری

ا.ب.ا	اتاق بازرگانی ایران
د.د.ا.ب.ا	دیوان داوری اتاق بازرگانی ایران
م.د.ا.ب.ا	مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران
خواهان	شرکت سینباد کپیتال
آسان سفر	شرکت آینده سپید آریا نوین سفر
آسان سیر	شرکت آتیه سازان آریا نو پا سیر
ق.م	قانون مدنی
ق.ت	قانون تجارت
ل.ا.ق.ق.ت	لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت
ق.د.ت.ب.ا	قانون داوری تجاری بین المللی ایران

## الف) سابقه امر

۱. در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ قراردادی میان سه تن از موکلین اینجانب (آقایان مهدی آیینه وند و احسان احمدیان و سرکار خانم سمیرا دهباشی) و خواهان با موضوع فروش ۲۴ درصد سهام «آسان سفر» مجموعاً به تعداد ۲۴۰ هزار سهم و به ارزش یک میلیون و هشتاد هزار یورو منعقد و مقرر گردید خواهان به عنوان خریدار سهام، مبلغ مذکور را طی ۴ قسط منحصراً به حساب ارزی «آسان سفر» واریز نماید تا مبالغ مذکور، نهایتاً به عنوان محل افزایش سرمایه در شرکت از طرف فروشندگان سهام سرمایه گذاری گردد و همچنین خدماتی از جمله فناوری، دانش مدیریتی و ارتباطات با شرکتهای بزرگ بین المللی در حوزه کسب و کار را به «آسان سفر» ارائه نماید.

۲. همزمان با انعقاد «قرارداد خرید سهم» و «قرارداد سهامداران»، مبلغ ۳۰۰ هزار یورو به عنوان اولین قسط پرداخت ثمن از جانب خواهان به حساب ارزی «آسان سفر» واریز گردید، اما هیچگاه سایر اقساط باقی مانده (به ارزش ۷۸۰ هزار یورو) بر طبق توافق صورت گرفته واریز نگردید.

۳. موکلین اینجانب (فروشندگان سهام) در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۹۰ جهت اعطای وکالت نامه رسمی به خواهان در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰ تهران حاضر شدند، ولیکن نماینده خواهان محترم علیرغم اعلام قبلی مکتوب به این شرکت، در دفتر اسناد رسمی حضور نیافت.

۴. بر اساس بندهای «ج» و «د» ماده ۱۶ «قرارداد سهامداران»، در صورت عدم ایفای تعهدات مالی یا عدم پرداخت وجوه مقرر در این قرارداد یا «قرارداد خرید سهم» در موعد مقرر توسط هر یک از سهامداران، هیأت مدیره این اختیار را خواهد داشت تا سهامدار متخلف را ملزم نماید ظرف ۱۰ روز کل سهام خود را به قیمتی که بر اساس ارزش واقعی شرکت توسط شرکت «تأمین سرمایه مدبران امید» تعیین می گردد، به سایر سهامداران به نسبت سهامداریشان به فروش برساند و شرکت در صورت استنکاف طرف متخلف، وکالت بلاعزل در انجام عملیات مذکور را خواهد داشت. همچنین در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۹۰ اخطاریه ای مبنی بر الزام به اجرای ماده ۱۶ «قرارداد سهامداران» به خواهان ارسال گردید.

۵. به رغم وقوع نقض نسبت به تعهدات قراردادی موضوع ماده ۱۶ «قرارداد سهامداران»، در شهریورماه سال ۱۳۹۱ سهامداران «آسان سفر» با امضای وکالت‌نامه رسمی، به خواهان برای انتقال تمامی ۲۴۰ هزار سهام «آسان سفر»، موضوع «قرارداد خرید سهم» به نام خود وکالت دادند و مراحل انتقال نیز انجام گردیده و آگهی ثبتی آن صادر شد.

۶. با توجه به صراحت ماده ۱۸ «قرارداد سهامداران»، هر یک از طرفین حق دریافت سود را به مدت پنج سال از تاریخ امضای این قرارداد از خود سلب و ساقط نموده‌اند.

۷. «آسان سفر» در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵، مستند به مواد ۸۵ و ۱۹۹ ل.ا.ق.ت و با رعایت ماده ۲۵ «قرارداد سهامداران» که انحلال اختیاری شرکت را مستلزم موافقت حداقل ۷۵ درصد سهامداران نموده است، منحل گردیده و هم اکنون در حال انجام امور مربوط به تصفیه است.

## ب) دفاعیات شکلی

### ب-۱) عدم صلاحیت مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

۸. نظر به این که خواسته‌های وکیل محترم خواهان در دادخواست ابرازی عموماً ناشی از «قرارداد خرید سهم» منعقد شده میان خواندگان ردیف ۳ الی ۵ می‌باشد و در ماده ۱۲ قرارداد مذکور نیز شرط مراجعه به داوری به نحو اطلاق بیان گردیده و به هیچ وجه به صلاحیت م.د.ا.ب.ا اشاره‌ای نگردیده است و همچنین در بعضی موارد نیز خواسته‌های مطروحه ناشی از هیچ یک از قراردادهای مذکور نمی‌باشد، استناد وکیل محترم خواهان به ماده ۱۴ «قرارداد سهامداران» و به تبع آن صلاحیت آن مرکز با توجه به دلایل ذیل خالی از وجه می‌نماید:

۹. همان گونه که مستحضر هستید، اولاً نهاد داوری یک نهاد استثنائی و نیازمند موافقت صریح طرفین است و در موارد تردید در خصوص امکان مراجعه به داوری، آن گونه که وکیل محترم خواهان در بند ۷ لایحه ابرازی بدان اشاره نموده است، نمی‌توان قائل به تفسیر اراده‌ی طرفین گردید و به وسیله‌ی آن اصل صلاحیت عام دادگاه‌ها به رسیدگی به دعاوی را کنار گذاشت. ثانیاً، حتی در فرض پذیرش داوری به نحو اطلاق، پذیرش صلاحیت م.د.ا.ب.ا بر این مبنا که طرفین در «قرارداد سهامداران» بر آن موافقت نموده‌اند قابل قبول نخواهد

بود؛ چرا که این دو قرارداد علیرغم تأثیرشان بر یکدیگر، نهایتاً مستقل از هم بوده و دارای شرایط اختصاصی خود می‌باشند و نمی‌توان قائل به تسری شرایط موجود در «قرارداد سهامداران» به «قرارداد خرید سهم» شد و همان‌گونه که پیشتر نیز بیان گردید، خواسته‌های وکیل محترم خواهان عموماً ناشی از «قرارداد خرید سهم» است که در آن به صلاحیت مرکز هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است و در بعضی موارد نیز که در ادامه بیان خواهد شد ناشی از هیچ‌یک از این قراردادها نیست. ثالثاً، ادعای وکیل محترم خواهان در بند ۷ لایحه ابرازی در خصوص این مسئله که «قرارداد سهامداران» در حقیقت بیانگر اراده مؤخر طرفین در خصوص مرجع صالح به رسیدگی است خالی از وجه است؛ زیرا همان‌گونه که مستحضرید، مطابق عرف تجاری موجود، انعقاد همزمان دو قرارداد خرید سهم و قرارداد سهامداران یک امر رایج است. به بیانی دیگر، تا زمانی که در مفاد قرارداد سهامداری و نحوه شراکت شرکا توافق حاصل نشود قرارداد خرید سهم امضا نمی‌گردد. همین امر مؤید عدم توافق مؤثر بر داوری در تمامی روابط فیما بین است، به نحوی که در حقیقت طرفین در روز امضای قراردادهای مذکور، با علم بر تأثیر این دو قرارداد بر یکدیگر، شرایط مقرر در ماده ۱۴ «قرارداد سهامداران» را منحصر به این قرارداد دانسته‌اند و هیچگاه هدف غایی آن‌ها تسری شرایط موجود به «قرارداد خرید سهم» نبوده است.

۱۰. ترتیب ماده ۱۲ «قرارداد خرید سهم» به‌گونه‌ای است که طرفین در مراجعه به داوری یا دادگاه مختارند، حال آن‌که طرفین «قرارداد خرید سهم» بر هیچ‌یک از شرایط داوری موافقت ننموده و مرجع رسیدگی و یا تعداد داوران را نیز مشخص ننموده‌اند؛ مضاف آن‌که موافقت طرفین بر امکان مراجعه هر یک از آن‌ها به دادگاه، نشان دیگری بر عدم اراده‌ی جدی مبنی بر الزام به حل و فصل اختلافات از طریق داوری است و ضمناً قائل شدن به امکان مراجعه به نهاد داوری در خصوص دعاوی ناشی از یک قرارداد و مراجعه به محاکم عام دادگستری در خصوص اختلافات مربوط به قرارداد دیگر، در نهایت به دلیل اثر متقابل آن دو، منتهی به نتیجه‌ی نامطلوب رسیدگی موازی خواهد شد و تنها راه جلوگیری از این امر قبول صلاحیت عام دادگاه‌ها در رسیدگی به اختلافات است. بنابراین با توجه به دلایل پیش‌گفته، اندراج شرط داوری بدین نحو آن را خالی از اثر می‌نماید و حتی در خصوص دعاوی مطروحه علیه موکلین اینجانب (خوانندگان ردیف ۳ الی ۵ در لایحه ابرازی خواهان) قابل اجرا نیست.

۱۱. همچنین می‌بایست بیان داشت مراجعه خواهان به دادگاه در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۹۵، خود گواه دیگری مبنی بر عدول از شرط داوری مقرر در «قرارداد خرید سهم» است؛ چرا که حتی در فرض پذیرش ادعای وکیل محترم خواهان در خصوص تسری شرایط ماده ۱۴ «قرارداد سهامداران» به ماده ۱۲ «قرارداد خرید سهم»، خواهان نهایتاً مراجعه به دادگاه را برای حل و فصل اختلافات خود انتخاب نموده است و با توجه به منع رسیدگی توأمان به دعاوی، امکان رسیدگی آن مرکز محترم به این دعوا فراهم نمی‌باشد.

۱۲. ضمناً همان‌گونه که وکیل محترم خواهان در بند ۸ لایحه ابرازی به درستی بیان داشته‌اند، بر اساس تصریح ماده ۱۷ ق.د.ت.ب.ا "داور می‌تواند رأساً در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر یک از طرفین دستور موقت صادر نماید." بنابراین خواهان با علم بر امکان صدور دستور موقت از جانب داور، همچنان برای تقاضای صدور دستور موقت به دادگاه مراجعه نموده است و این دلیل روشنی مبنی بر عدول و صرف نظر نمودن از شرط داوری مقرر در «قرارداد خرید سهم» است.

۱۳. در نهایت می‌بایست بیان داشت که برخی از خواسته‌های خواهان محترم ریشه در هیچ‌یک از قراردادهای مذکور ندارد؛ برای مثال در خصوص خواسته‌ی مبتنی بر ابطال صلح اموال صورت‌گرفته، این عمل به هیچ وجه ناشی از «قرارداد سهامداران» یا «قرارداد خرید سهم» نبوده و صرفاً در راستای اختیارات قانونی شرکت بوده است. بدیهی است که پذیرش این نظر که هر عمل شرکت نشأت گرفته از «قرارداد سهامداران» است و در نتیجه قائل شدن به صلاحیت م.د.ا.ب.ا، منتهی به این نتیجه نامطلوب خواهد شد که در تمامی موارد، طرف معامله با شرکت، ملزم به نهاد داوری گردد که هرگز نسبت به آن موافقت ننموده است.

#### ب - ۲) صحت اعمال انجام شده توسط مدیر تصفیه

۱۴. در پاسخ به بند ۱۰ لایحه ابرازی وکیل محترم خواهان می‌بایست بیان داشت با توجه به صراحت ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت.ت.ا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و امور قابل انجام در این مرحله نیز عبارت است از خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت؛ قانونگذار در ادامه و در ماده ۲۱۲ در بیان اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه دو نکته را روشن نموده است: نکته اول انحصار اختیارات مدیر تصفیه در حدود شخصیت حقوقی باقیمانده از



شرکت که عبارتست از امور مربوط به تصفیه شرکت و نکته دوم مطلق و غیر حصری بودن مصادیق اختیارات وی در چارچوب امر تصفیه؛ به نحوی که برخلاف ماده ۱۱۸ لایحه ل.ا.ق.ت که اختیارات مدیران را در روابط داخلی شرکا و مدیران قابل تحدید می‌داند، اطلاق ماده ۲۱۲ به گونه‌ای است که حق صلح و سازش و ارجاع به داوری را که در حالت کلی نیازمند تصریح است دربر گرفته و هر نوع تحدید اختیارات و توافق خلاف آن را باطل و کأن لم یکن می‌داند.

۱۵. حال با توجه به آن که قرارداد امضا شده تحت عنوان صلح اموال در جهت "تصفیه شرکت" و در حقیقت به معنای "خاتمه دادن کارهای جاری" و رسیدن به مرحله "تقسیم اموال" منعقد گردیده است، مستنداً به مواد ۲۰۸ و ۲۱۲ ل.ا.ق.ت صحیح و لازم الاتباع است.

۱۶. در نهایت می‌بایست بیان داشت که مؤید استدلال فوق، ماده ۲۱۳ ل.ا.ق.ت می‌باشد که از میان قراردادهای منعقد در دوران تصفیه، صرفاً قراردادهایی که بیم ذینفعی مدیر یا مدیران تصفیه در آن باشد و تعارض منافع مشهود گردد را باطل دانسته است. لذا صحت قرارداد مذکور محرز و علت خدشه به آن در لایحه خواهان محترم مفقود می‌باشد.

### ب-۳) عدم توجه دعوا نسبت به شرکت «آسان سیر»

۱۷. نظر به آن که «آسان سیر» طرف هیچ یک از قراردادهای مورد استناد وکیل محترم خواهان نبوده است و دارای هیچ‌گونه رابطه قراردادی با خواهان محترم نمی‌باشد، با تکرار عدم قبول صلاحیت مرکز نسبت به رسیدگی به تمامی دعاوی مطروحه علیه تمامی خواندگان تعرفه شده در لایحه‌ی ابرازی وکیل محترم خواهان، به طور خاص در خصوص «آسان سیر» باید بیان داشت:

۱۸. اولاً، همان‌گونه که مستحضرید شرط داوری نیازمند موافقت صریح طرفین و تابع اصول مهمی همچون استثنائی و نسبی بودن صلاحیت نهاد داوری نسبت به طرفین موافقت‌نامه داوری است و اصول پیش‌گفته مانع از تسری صلاحیت داور به رسیدگی در مواردی است که طرفین نسبت به موافقت‌نامه داوری طرف آن قرار نگرفته‌اند.

۱۹. ثانیاً، کتبی بودن شرط داوری نیز از جمله اصول مهم در احراز صلاحیت مرجع داوری به رسیدگی است، به نحوی که در قانون مورد ادعای خواهان محترم، یعنی ق.د.ت.ب.ا نیز در ماده ۷ آن صراحتاً موافقت کتبی طرفین و لزوم امضای موافقت‌نامه داوری به عنوان یک قاعده آمره بیان گردیده است.

۲۰. ثالثاً، استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا از جمله اصول مهم و تثبیت شده در نظام‌های حقوقی تجاری دنیا از جمله ایران است و مانع از تسری تعهدات و حقوق شخصی شرکا به شرکت می‌شود. بنابراین «آسان سیر» که ۹۰٪ سهام آن نیز متعلق به یک شرکت انگلیسی است نمی‌تواند طرف دعوا نسبت به قراردادهایی قرار بگیرد که هیچ‌گونه نقش و دخالتی در انعقاد آن‌ها نداشته است؛ توضیح آن که این شرکت در زمان انعقاد قراردادهای مورد استناد وکیل محترم خواهان، حتی تأسیس نگردیده بوده است.

۲۱. ادعای وکیل محترم خواهان در بند ۱۰ لایحه ابرازی در خصوص آن که اموال «آسان سیر» متعلق حق موکل ایشان است، خالی از وجه می‌نماید؛ چرا که اولاً، تشریفات انحلال «آسان سفر» با رعایت تمامی قواعد آمره ق.ت و همچنین با موافقت ۷۵٪ سهامداران و بر طبق ماده ۲۵ «قرارداد سهامداران» صورت پذیرفته است و مدیر تصفیه نیز همان‌گونه که پیشتر نیز بیان گردید، در راستای وظایف قانونی خود اقدام به صلح اموال «آسان سفر» به «آسان سیر» نموده است.

۲۲. نهایتاً حتی در فرض پذیرش ادعای وکیل محترم خواهان در خصوص آن که اموال موضوع عقد صلح صورت گرفته متعلق حق خواهان است، باید بیان داشت که اعاده حقوق خواهان در «آسان سفر» به هیچ وجه نمی‌تواند مجوز الزام «آسان سیر» به تعهداتی گردد که پیشتر با آن موافقت ننموده است؛ چرا که مواد قانونی و آیین‌نامه‌های مذکور در این خصوص، همانند جزء (خ) ماده ۱ و جزء (الف) ماده ۳ قواعد و آیین داوری م.د.ا.ب.ا و همچنین ماده ۷ ق.د.ت.ب.ا به عنوان قوانین مورد استناد وکیل محترم خواهان، صراحتاً توافق و رضایت بر داوری را به عنوان پایه و مبنای صلاحیت داور دانسته‌اند که در صورت عدم احراز این توافق، صلاحیت مذکور نیز مخدوش خواهد بود. بنابراین در خصوص ادعاهای مطروحه نسبت به «آسان سیر» بر اساس اصول عمومی رسیدگی به دعاوی و همچنین صلاحیت عام محاکم دادگستری در رسیدگی به دعاوی، صرفاً دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت.

## ج) دفاعیات ماهوی

حالیه با وجود تأکید بر لزوم طرح دعاوی و اختلافات در مراجع عام دادگستری به دلایل فوق الذکر و با حفظ حق اعتراض به صلاحیت آن مرکز محترم در مقام پاسخ به ادعاهای خواهان محترم به استحضار می‌رساند:

### ج - ۱) عدم امکان مطالبه خسارت تأخیر انجام تعهد از سوی خواننده

۲۳. اولاً، در مقابل ادعای وکیل محترم خواهان در بند ۱۲ لایحه‌ی ابرازی در این خصوص که خوانندگان به عنوان مدعیان عدم حضور نماینده خواهان محترم در دفترخانه اسناد رسمی، می‌بایست برای اثبات این امر گواهی عدم حضور صادره توسط سردفتر را ارائه نمایند، باید بیان داشت که طبق رویه‌ی دفاتر اسناد رسمی، گواهی عدم حضور صرفاً در خصوص اسناد قطعی صادر شده و اصدار آن در اسناد دیگر همچون وکالت‌نامه موضوعیتی ندارد.

۲۴. ثانیاً با توجه به ماده ۶،۲ «قرارداد خرید سهم»، مابقی ثمن قراردادی (به مبلغ ۷۸۰ هزار یورو) می‌بایست در سه قسط و به ترتیب در تاریخ‌های ۱ مرداد ۱۳۹۰، ۱ آبان ۱۳۹۰ و ۱ بهمن ۱۳۹۰ پرداخت می‌گردید، حال آن‌که با انقضای پنج سال از تاریخ‌های مذکور و به رغم اعطای وکالت‌نامه رسمی انتقال سهام به خواهان محترم در شهریورماه ۱۳۹۱ و انجام تمامی مراحل انتقال سهام و ثبت آن در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها، هیچ میزان از مبلغ مزبور از سوی خواهان محترم پرداخت نگردیده است و این امر حاکی از آن است که علیرغم انجام تعهدات قراردادی از سوی موکلین اینجانب، از طرف خواهان محترم اقدامات مقتضی در خصوص انجام تعهدات ایشان صورت نپذیرفته است.

۲۵. همان‌گونه که مستحضرد، حاکمیت اصل موازنه مقتضی آن است که در تمامی معاملات معوض، تعهدات طرفین قرارداد در حالت توازن و در تقابل با یکدیگر باشد؛ بنابراین در فرض مذکور که خواهان محترم از انجام تعهدات خویش امتناع نموده است، نمی‌تواند مطالبه خسارت تأخیر تعهدات طرف مقابل را نماید؛ چرا که پیشبینی شرط وجه التزام در قرارداد را باید به نحوی تفسیر نمود که در تعارض با تقابل تعهدات طرفین نباشد. به عبارت دیگر، مطالبه وجه التزام قراردادی در فرضی وجاهت قانونی و قراردادی خواهد داشت که خواهان

محترم نیز تعهدات خود را انجام داده باشد؛ حال آن که در پرونده‌ی مطروحه، خواهان محترم به انجام تعهدات قراردادی خود نپرداخته است و نحوه‌ی عمل موکلین اینجانب در راستای عدالت معاوضی پیش‌گفته و صرفاً به معنای اناطه‌ی انجام تعهدات خود به انجام تعهدات خواهان محترم بوده است. [جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۸-۲۸]

۲۶. همچنین با توجه به ماده ۶،۳ «قرارداد خرید سهم» که مقرر می‌دارد: "در صورتی که تأخیری بیش از ۷ روز کاری در پرداخت مبالغ فوق صورت گیرد، وی متعهد می‌باشد از تاریخ سررسید به ازای هر روز تأخیر به مبلغ صد یورو به عنوان خسارت تأخیر تادیه مستقیماً در وجه فروشنندگان به نسبت سهامداری اولیه‌شان پرداخت نماید." موکلین اینجانب (فروشنندگان سهام) در این خصوص حق اقامه دعوی در نزد محاکم دادگستری را برای خود محفوظ نگاه داشته‌اند و در جهت احقاق حقوق قانونی خود اقدام خواهند نمود.

۲۷. ثالثاً، خواهان محترم به موجب «قرارداد خرید سهم» متعهد بوده است فناوری‌های خود را به شرکت «آسان سفر» انتقال دهد و همان‌گونه مستحضر هستید، فناوری وابسته به زمان است و ممکن است با گذر زمان حتی ارتقاء پیدا کند، این در حالی است که خواهان محترم از تاریخ انعقاد قرارداد تاکنون به این تعهد قراردادی خود نیز عمل ننموده است. مضافاً آن که امکان عدم کارآیی فناوری که ۵ سال پیش مدنظر بوده است وجود داشته و همچنین قطعاً فناوری مذکور با توجه به سرعت تکامل فناوری در تمامی عرصه‌ها در قرن حاضر، قدیمی گشته و بنابراین مطابق با مقتضیات روز نمی‌باشد.

۲۸. با توجه به آن که تمامی موارد پیش‌گفته مصداق بارز برهم خوردن موازنه و عدالت معاوضی می‌باشد، تقاضای خسارت تأخیر از جانب وکیل محترم خواهان خالی از وجه می‌نماید.

### ج - ۲) اثبات صحت صلح منعقد شده توسط مدیر تصفیه

۲۹. در پاسخ به آنچه که وکیل محترم خواهان در بند های ۱۸ و ۱۹ لایحه‌ی ابرازی در خصوص تقاضای ابطال عقد صلح صورت گرفته از جانب مدیر تصفیه اعلام داشته است، ذکر نکات ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۳۰. ماده ۲۱۲ ل.ا.ق.ت. بیان می‌دارد: "مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می‌باشند ..... محدود

کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کأن لم یکن است. " همچنین ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت مقرر می‌دارد: "تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران برای تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد." ۳۱. اولاً، با جمع مادتين مذکور می‌توان به این نکته رسید که قانونگذار در زمان تصفیه شرکت، اختیارات وسیعی را به مدیر(ان) تصفیه تفویض نموده است و ذکر واژه‌ی «نماینده» برای وی نیز مؤید دیگری بر صحت تصمیمات و اقدامات وی در زمان تصفیه شرکت می‌باشد. همچنین با توجه به صراحت موجود در این مواد، اجازه‌ی انجام معاملات جدید برای مدیر تصفیه یکی از موارد این اختیارات است که صلح اموال از مصادیق آن می‌باشد.

۳۲. ثانیاً از ماده ۲۱۳ ل.ا.ق.ت که قانونگذار مدیر تصفیه را از انتقال دارایی‌هایی شرکت به خود و اقارب خویش ممنوع می‌سازد، این مفهوم دریافت می‌شود که انتقال دارایی شرکت به دیگران قانونی و خالی از اشکال است. فلذا خواسته خواهان محترم مبنی بر درخواست بطلان صلح خالی از وجه می‌باشد.

۳۳. در پاسخ به ادعای وکیل محترم خواهان در بند ۱۹ لایحه ابرازی مبنی بر عدم اهلیت شرکا برای انعقاد صلح مزبور، می‌بایست بیان داشت که که برخلاف ادعای مطروحه، عقد صلح مزبور توسط مدیر تصفیه شرکت منعقد گردیده است و شرکا نقشی در انعقاد آن نداشته‌اند و طرف قرارداد نبوده‌اند؛ بنابراین بدیهی است که صحبت از اهلیت شرکا نسبت به انجام عقد صلح مورد ادعا، امری خالی از وجه می‌باشد. فلذا استناد ایشان به ماده ۷۵۳ ق.م.بلاوجه بوده و مضافاً همان‌طور که مستحضرید و وکیل محترم خواهان نیز به آن اشاره نموده است، چون با توجه به ماده ۲۰۸ ق.ت. شخصیت حقوقی شرکت تا زمان تصفیه همچنان باقی است، بنابراین اموال مذکور متعلق به شخصیت حقوقی شرکت است و نه شرکا و صلح صورت گرفته توسط مدیر تصفیه به عنوان نمایندگی از شرکت و نسبت به اموال شرکت صورت گرفته است و نمی‌توان ادعایی مبنی بر مالکیت مشاعی نسبت به این اموال مطرح نمود. همان‌گونه که موکلین اینجانب هیچ ادعایی نسبت به وجود مالکیت مشاعی شرکا نسبت به اموال شرکت نداشته‌اند و این صرفاً برداشت خواهان محترم می‌باشد.

۳۴. همچنین در ارتباط با ادعای وکیل محترم خواهان در انتهای بند ۱۹ لایحه ابرازی در خصوص درخواست اجرای حق خود با توجه به سهام ممتاز و استناد به ماده ۲۲۴ ق.ت و ماده ۷،۴ «قرارداد سهامداران»، اشاره به این نکته لازم است که اولاً، ماده ۲۲۴ ل.ا.ق.ت بیان می‌دارد: "پس از ختم تصفیه ...." در حالی که در پرونده‌ی مطروحه «آسان سفر» همچنان در حال انجام امور مربوطه به تصفیه می‌باشد و عملیات تصفیه خاتمه نپذیرفته است تا نوبت به بازپرداخت مبلغ سهام و حقوق سهامداران برسد، در ثانی همان‌طور که پیشتر نیز اشاره گردید، خواهان محترم بجز قسط اول موضوع «قرارداد خرید سهم»، تاکنون هیچ یک از اقساط باقی مانده را نپرداخته است و در واقع با توجه به بند ج ماده ۱۶ «قرارداد سهامداران»، خواهان محترم می‌بایست اقدام به فروش سهام خود نماید که بیان این موضوع اگرچه به معنای تقاضای رسیدگی آن مرجع محترم به این امر نیست، لیکن در جهت رفع هرگونه شبهه و تردید شایان ذکر است که اجرای بند ج ماده ۱۶ «قرارداد سهامداران» پیشتر در نامه هیئت مدیره آسان سفر در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۹۰ به اطلاع خواهان محترم رسیده بوده است، فلذا استناد به ماده ۷،۴ «قرارداد سهامداران» موضوعیتی ندارد.

### ج-۳) صحت افزایش سرمایه

۳۵. در خصوص ادعای وکیل محترم خواهان در بند ۱۷ لایحه‌ی ابرازی مبنی بر اعمال سهم موکل ایشان در افزایش سرمایه‌ی صورت گرفته در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۹۰ می‌بایست بیان داشت:

۳۶. نظر به آن که خواهان محترم در تاریخ مزبور سهامدار شرکت محسوب نمی‌گردیده است و همچنین با توجه به حکم ماده ۱۶۹ ل.ا.ق.ت که صرفاً بیانگر لزوم اطلاع سهامداران شرکت نسبت به افزایش سرمایه است، خواهان محترم هیچ‌گونه حقی نسبت به افزایش سرمایه صورت گرفته در «آسان سفر» نداشته است.

۳۷. هیأت مدیره‌ی «آسان سفر» طبق تفویض اختیار مجمع عمومی فوق‌العاده و وفق مواد ۱۶۱، ۱۶۲ و ۱۶۳ ل.ا.ق.ت اقدام به افزایش سرمایه‌ی شرکت نموده‌اند و تمامی تشریفات لازم برای این امر را نیز رعایت کرده‌اند. مؤید این امر نیز به ثبت رسیدن افزایش سرمایه‌ی مزبور در اداره ثبت شرکت‌ها است؛ چرا که عدم رعایت تشریفات مزبور، منجر به عدم ثبت افزایش سرمایه در اداره ثبت شرکت‌ها می‌گردد.

۳۸. وکیل محترم خواهان در بند ۱۴ لایحه‌ی ابرازی این‌گونه بیان داشته است که افزایش سرمایه می‌بایست به نحوی انجام می‌شد که خواهان محترم بتواند در این افزایش سرمایه حضور داشته و با پرداخت مبلغ اسمی سهام جدید، نسبت سهامداری خود را حفظ کند. حال آن‌که این ادعا به هیچ وجه با مفاد «قرارداد خرید سهم» از جمله ماده ۶،۱ مطابقت ندارد؛ چرا که افزایش سرمایه‌ی مزبور منوط به پرداخت کامل مبلغ اقساط از جانب خواهان محترم بوده است، در حالی که ایشان از پرداخت اقساط دوم تا چهارم استنکاف نموده است. بنابراین شرط موضوع ماده ۶،۱ به علت نقض تعهد قراردادی خواهان محقق نگردیده است و در جایی که شرط منتفی است، مشروط حاصل نمی‌شود.

۳۹. در خصوص ادعای وکیل محترم خواهان در بند ۱۶ و ۱۷ لایحه‌ی ابرازی در خصوص ترکیب اعضاء هیأت مدیره «آسان سفر» و عدم رعایت ماده ۹ «قرارداد سهامداران» باید توجه داشت که اگرچه طبق صراحت این ماده همواره یک نفر از اعضاء هیأت مدیره به پیشنهاد خواهان محترم انتخاب می‌شود، اما در راستای اجرای ماده ۹ «قرارداد سهامداران»، سهامداران شرکت مقررات آمره‌ی ق.ت، از جمله ماده ۱۰۸ ل.ا.ق.ت را نیز مد نظر داشته‌اند. در واقع در انتخاب اعضاء هیأت مدیره، همچنان این مجمع عمومی «آسان سفر» است که صلاحیت انتخاب اعضاء هیأت مدیره را دارد و طبق «قرارداد سهامداران» صرفاً پیشنهاد یکی از این اعضا به خواهان محترم اعطا شده است و چون شخص پیشنهادی هیچگاه حد نصاب لازم را در مجمع عمومی عادی کسب نمی‌نموده است، نمی‌توانسته به عنوان عضو هیأت مدیره انتخاب شود.

۴۰. مضافاً، پذیرش ادعای وکیل محترم خواهان در خصوص محدود نبودن گستره ماده ۹ «قرارداد سهامداران» به پیشنهاد یک عضو هیأت مدیره از جانب خواهان با دو اشکال مواجه است: اولاً، این امر منجر به نادیده گرفتن مقررات آمره‌ی ق.ت، از جمله ماده ۱۰۸ ل.ا.ق.ت می‌شود که اختیار انتخاب اعضاء هیأت مدیره را در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌داند؛ ثانیاً، این امر به معنای تفسیر خلاف معنای متداول و متعارف عبارات مذکور در قرارداد و توجه ننمودن به اراده‌ی طرفین است؛ چرا که از لفظ «پیشنهاد» موضوع ماده ۹ «قرارداد سهامداران» در معنای متعارف خود چیزی به غیر از صرف پیشنهاد بر نمی‌آید و آنچه که بیانگر اعطای امری بیش از این حق و اختیار است، هرگز داخل در تراضی طرفین نگشته است.

۴۱. با توجه به این که وکیل محترم خواهان با مرتبط نمودن بحث عضو پیشنهادی هیأت مدیره به افزایش سرمایه شرکت سعی نموده‌اند تا چنین القاء نمایند که اگر عضو پیشنهادی خواهان محترم در ترکیب هیأت مدیره می‌بود افزایش سرمایه قانونی «آسان سفر» محقق نمی‌گردید، لازم به ذکر است که وفق ماده ۱۲۱ ل.ا.ق.ت. تصمیقات هیأت مدیره با اکثریت آرا حاضرین اتخاذ می‌گردد و حتی اگر قائل به نظر وکیل محترم خواهان شویم، خواهان محترم همچنان فاقد اکثریت لازم برای ممانعت از پیشنهاد افزایش سرمایه توسط هیئت مدیره به مجمع بوده است.

۴۲. همچنین لازم به ذکر است که استناد وکیل محترم خواهان به مواد ۱۶۶ و ۱۶۷ ل.ا.ق.ت. در خصوص حق تقدم سهامداران در افزایش سرمایه خالی از وجه است؛ چراکه همان‌طور که پیشتر نیز بیان گردید، در زمان افزایش سرمایه، خواهان محترم در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها به عنوان سهامدار شناخته نمی‌شده است و طبق ماده ۴۰ ل.ا.ق.ت، عدم ثبت سهام در دفتر ثبت سهام شرکت و متعاقب آن عدم ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها از نظر شرکت فاقد اعتبار است و چنین شخصی در مقابل شرکت و سهامداران، سهامدار محسوب نمی‌گردد.

#### ج-۴) صحت تصمیم مجمع عمومی مبنی بر انحلال آسان سفر

۴۳. در پاسخ به ادعای وکیل محترم خواهان در بندهای ۲۰ و ۲۱ لایحه‌ی ابرازی مبنی بر عدم رعایت شرایط شکلی انحلال «آسان سفر» لازم به ذکر است که اولاً، از آنجا که نشر آگهی به جهت اطلاع سهامداران است، به حکم تبصره ماده ۹۷ ل.ا.ق.ت در فرض حضور همه سهامداران نشر آگهی موضوعیت ندارد.

۴۴. ثانیاً، تشریفات انحلال «آسان سفر» در حال انجام است و خواهان محترم مستندات در اثبات ادعای خود مبنی بر عدم رعایت تشریفات انحلال ندارد و همچنین ثبت آگهی انحلال در اداره ثبت شرکت‌ها و آغاز تشریفات آن خود مؤیدی بر رعایت تشریفات مذکور می‌باشد. لذا ادعای عدم رعایت شرایط شکلی انحلال، ادعایی خالی از وجه می‌باشد.



۴۵. همچنین طبق ماده ۱۵ ل.ا.ق.ت: "امضاء ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می باشد" که این امر به معنی گردن نهادن پیشاپیش به مصوبات مجامع از سوی هر شخصی است که به عنوان سهامدار وارد شرکت می گردد و هرگونه تفسیری که این معنا و صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده را تحت تأثیر قرار دهد، محکوم به بی اعتباری است. [پاسبان، محمدرضا، ۱۳۹۱، ص ۳۵۹]

۴۶. طبق بند ۴ ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت مجمع عمومی فوق العاده در هر زمان به تشخیص خود و بنا به هر علتی شرکت را منحل نماید و تصمیم مجمع عمومی نیاز به توجیه ندارد. [اسکینی، ربیعا، ۱۳۹۱، ص ۲۸۰] و علاوه بر آن با توجه به تصریح ماده ۲۵ «قرارداد سهامداران» در خصوص این که انحلال اختیاری شرکت منوط به تصویب ۷۵٪ سهامداران است و با توجه به این که در تصمیم مجمع عمومی فوق العاده «آسان سفر» مبنی بر انحلال نیز این حدنصاب رعایت شده است و با توجه به آن چه که پیشتر نیز ذکر شد، خواهان محترم به عنوان یکی از شرکاء شرکت، باید از این تصمیم مجمع عمومی فوق العاده تبعیت نماید و و تضاد انحلال شرکت با منافع شخصی خواهان محترم نمی تواند به عنوان مستمسکی برای ابطال انحلال شرکت تلقی گردد.

#### ج-۵) عدم امکان دریافت سود توسط خواهان

۴۷. در پاسخ به ادعای خواهان محترم در بند ۲۴ لایحه‌ی ابرازی مبنی بر مطالبه‌ی سود «آسان سفر»، اشاره به چند نکته لازم به ذکر است:

۴۸. اولاً، به موجب ماده ۱۸ «قرارداد سهامداران» طرفین قرارداد حق دریافت سود را به مدت پنج سال از تاریخ امضای قرارداد مذکور از خود سلب و ساقط نموده‌اند؛ فلذا با توجه به صراحت این ماده که منعکس کننده‌ی اراده شفاف طرفین این قرارداد می باشد، خواهان حقی بر دریافت سود ندارد، همچنین با توجه به اصل لزوم پایبندی طرفین به قرارداد و شروط آن، مصرح در ماده ۲۱۹ ق.م که مقرر می‌دارد "عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است..." و نیز بر اساس قاعده استاپل که مانعی است که شخص را از انکار یا ادعای هرچیز متضادی با آن چه که از نظر حقوق، به عنوان واقعیت محرز

شده است ممنوع می سازد، اعم از این که این احراز به وسیله اعمال کارگزاران قضایی یا تقنینی صورت گرفته باشد یا به وسیله سند یا اظهارات صریح و یا ضمنی، رفتار یا ترک فعل خود شخص. [افتخار جهرمی گودرز، شهبازی نیا مرتضی، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۰] خواهان محترم نمی تواند خواسته ای بر خلاف قراردادی که بدان متعهد است و حتی بر اساس آن قرارداد در لایحه ابرازی خود خواسته های متعددی مطرح نموده است باشد.

۴۹. ثانیاً، در پاسخ به تحلیلی که خواهان محترم در بند ۲۴ لایحه ابرازی خود بدان اشاره نموده است، مبنی بر این که علت درج شرط عدم دریافت سود، اراده ای طرفین بر بقاء و رونق شرکت بوده است، می بایست به این مطلب اشاره نمود که اگر خواهان محترم حقیقتاً تمایل به افزایش سودآوری و رونق شرکت می داشت و پربازده بودن آن در طی چند سال اخیر مدنظر ایشان می بود، ایشان می بایست به تعهدات قراردادی خود از جمله پرداخت مابقی اقساط ثمن موضوع «قرارداد خرید سهم» (به مبلغ ۷۸۰ هزار یورو) به عنوان سرمایه ی شرکت و به منظور تأمین منابع مالی لازم برای فعالیت شرکت و همچنین در راستای انجام تعهد موضوع بند ۵،۲ «قرارداد خرید سهم» مبنی بر انتقال فناوری و اعطای دانش مدیریتی که باعث پیشرفت سریع شرکت می شود عمل می نمود، در حالی که همان طور که پیشتر بدان اشاره شد، خواهان محترم از انجام هر دو این تعهدات سر باز زده است و این خود راهنما و دلیلی است مبنی بر نحوه ی عمل خلاف اراده و قصدی که ایشان در تفسیر شرط مبنایی عدم دریافت سود مطرح داشته اند.

با تجدید مراتب ادب و احترام

**تیم PC348**

فهرست منابع	
پاسبان محمدرضا	حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ نهم، انتشارات سمت، سال ۱۳۹۱، بند ۴۵
اسکینی ربیعا	حقوق شرکتهای تجاری، ج دوم، چاپ چهاردهم، انتشارات سمت، سال ۱۳۹۱، بند ۴۶
جعفری لنگرودی محمدجعفر	فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل: تئوری موازنه، انتشارات کتابخانه گنج دانش، سال ۱۳۸۱، بند ۲۵
افتخار جهرمی گودرز، شهبازی نیا مرتضی	مجله حقوقی نشر، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران شماره سی ام، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۰، بند ۴۸